Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 4, Winter 2025, 97-124
DOI: 10.21859/priw-140405

Historical Analysis of the Political in Husseini Discourse with Emphasis on the Arbaeen Walking Ritual

Naeem Sherafat[1], Ruhollah Farhadi[2]

Date of Received: 2024/08/02 **Date of Acceptance**: 2024/12/18

Abstract

The Arbaeen pilgrimage of Imam Hussein, as one of the most significant manifestations of the Husseinite discourse, has, in contemporary Iraqi history, functioned beyond a mere religious ritual and played an active role in the social organization and political mobilization of Shiites. The main objective of this study is to explain how the Arbaeen ritual becomes a "political act" and to examine its discursive capacities in confronting rival hegemonic discourses. Using Laclau and Mouffe's discourse analysis framework and a descriptive-analytical approach, this research investigates the elements, nodal points, and the articulation logic of the Husseinite discourse within the Arbaeen pilgrimage. Data were collected and analyzed through documentary research and historical analysis of two key events: the 1920 Iraqi Revolution and the 1977 Safar Intifada. Findings indicate that, during these periods, the Arbaeen ritual, by producing chains of identity, protest, and emancipatory signification, contributed to the reproduction of Shiite social power and the shaping of collective political action against colonial and Ba'athist discourses. Based on the results, the Arbaeen pilgrimage demonstrates a durable capacity

1. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University,iran
n.sherafat@ISR.ikiu.ac.ir

2. Assistant Professor of Political Science, Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran (responsible Author) , r.farhadi@sccr.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

to function as an effective discursive mechanism in social organization and political resistance, and can serve as a meaningful resource for policymakers and activists confronting contemporary discursive challenges.

Keywords: Husseinite discourse, Arbaeen pilgrimage, Laclau and Mouffe discourse analysis, 1920 Iraqi Revolution, 1977 Iraqi Intifada

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳، صص ۱۲۴ – ۹۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۴۰۵

تحلیل تاریخی امر سیاسی در گفتمان حسینی با تأکید بر آیین پیاده‌روی اربعین

نعیم شرافت[۱]
روح الله فرهادی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

آیین پیاده‌روی اربعین حسینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمودهای گفتمان حسینی، در تاریخ معاصر عراق کارکردی فراتر از یک مناسک مذهبی صرف یافته و در فرآیندهای سازمان‌دهی اجتماعی و بسیج سیاسی شیعیان نقش‌آفرین بوده است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی تبدیل آیین اربعین به «امر سیاسی» و بررسی ظرفیت‌های گفتمانی آن در مواجهه با گفتمان‌های هژمونیک رقیب است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب تحلیل گفتمان لاکلا و موف و با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی عناصر، دال‌های محوری و منطق مفصل‌بندی گفتمان حسینی در آیین پیاده‌روی اربعین می‌پردازد. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و تحلیل تاریخی دو رویداد شاخص، یعنی انقلاب ۱۹۲۰ عراق و انتفاضه صفر ۱۹۷۷، گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که آیین اربعین در این دوره‌ها، با تولید زنجیره‌ای از دلالت‌های هویتی، اعتراضی و رهایی‌بخش، توانسته است به بازتولید نیروی اجتماعی شیعه و شکل‌دهی به کنش سیاسی جمعی در برابر گفتمان‌های استعماری و بعثی کمک کند. بر اساس نتایج پژوهش، آیین پیاده‌روی اربعین واجد ظرفیت پایدار برای تبدیل‌شدن به یک سازوکار گفتمانی مؤثر در سازمان‌دهی اجتماعی و مقاومت سیاسی است و می‌تواند به‌عنوان یک منبع معنایی در مواجهه با چالش‌های گفتمانی معاصر مورد توجه سیاست‌گذاران و کنشگران قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: گفتمان حسینی، پیاده‌روی اربعین، تحلیل گفتمان لاکلا و موف، انقلاب ۱۹۲۰ عراق، انتفاضه ۱۹۷۷ عراق.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) ،ایران n.sherafat@ISR.ikiu.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ،تهران،ایران(نویسنده مسئول) ، r.farhadi@sccr.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مقدمه

بیان مسأله: ماجرای شهادت امام حسین (ع) و خاندان و یارانش در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، همواره نماد قیام و اعتراض علیه بی‌عدالتی و حمایت از مظلومین در طول تاریخ بوده است و گفتمان منحصر به فردی را با عنوان گفتمان حسینی در طول تاریخ تمدن اسلامی به وجود آورد که همواره زمینه‌ساز بسیاری از خیزش‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌های ضداستبدادی بوده است. در این میان راهپیمایی اربعین حسینی در روز بیستم ماه صفر از کشورها و شهرها و روستاها به سمت شهر کربلا، به یکی از نمادها و نشانه‌های گفتمان حسینی در ادوار مختلف تاریخی شهرت یافته و همواره تهدید و چالش بزرگی برای رژیم‌های حاکم بر عراق بوده و از ترس حضور جمعیت انبوهی که به زیارت کربلا هر ساله در روز اربعین حسینی می‌آمدند، برای محدود کردن و جلوگیری از برگزاری این مراسم تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است. چرا که این حضور انبوه و یکپارچه و متحد، می‌توانست تبدیل به شورشی علیه دولت حاکم شود و این همان چیزی است که در رویدادهای انقلاب ۱۹۲۰ عراق یا انتفاضه ماه صفر سال ۱۹۷۷ در کربلا یا شکل‌گیری انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱ یا در انتفاضه مهدویه (جنگ نجف) که در روزهای اربعین حسینی ۲۰۰۴ با مقاومت میان نیروهای جیش المهدی در مقابل حمله نظامیان آمریکایی در حرم امیرالمؤمنین شکل گرفت، یا مبارزه نیروهای نظامی و شبه‌نظامی شیعی با جریان تکفیری داعش در سال ۲۰۱۶ اتفاق افتاد و مؤلفه‌های گفتمان حسینی در مراسم پیاده‌روی اربعین در هر یک از این حوادث و وقایع سیاسی، الهام بخش انقلابیون شیعی بود. در این مقاله ابتدا عناصر و مؤلفه‌های گفتمان حسینی را شرح داده و سپس با بررسی موردی دو حادثه تاریخی انقلاب ۱۹۲۰ و انتفاضه ۱۹۷۷ عراق، تأثیر پیاده‌روی اربعین حسینی در شکل‌گیری یک حرکت سیاسی و انقلابی در برابر دو گفتمان رقیب استعماری و بعثی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اهمیت: با توجه به استقبال روزافزون شیعیان برای شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی و تبدیل این مراسم سنتی فولکلور عراقی به یک حماسه تاریخی و مانور اقتدار شیعیان جهان، بررسی ابعاد مختلف این حادثه و شناخت قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آن در شکل گیری یک حماسه سیاسی می‌تواند از اهمیت بسیاری برخوردار باشد.

ضرورت: در دهه‌های اخیر، گفتمان‌های رقیب و متخاصم همچون صهیونیسم و جریان تکفیری، با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های رسانه‌ای و نظامی و فرهنگی به جنگ مستقیم با گفتمان انقلابی شیعی پرداخته‌اند و تمام مظاهر و نشانه‌های اقتدار شیعیان در جهان را مورد هدف قرار داده‌اند. یکی از این

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

نشانه‌های اقتدار شیعیان مراسم راهپیمایی اربعین حسینی است که به شدت مورد حمله دشمن قرار گرفته است. بنابراین رشد آگاهی و شناخت شیعیان و دولت‌های شیعی نسبت به ظرفیت‌های این مراسم و برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از آن در مقابل حملات دشمنان، بسیار ضروری است.

اهداف: هدف اصلی این مقاله روشنگری اقشار مختلف مخاطبان از عموم مردم تا سیاست‌مداران و نخبگان، نسبت به شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سیاسی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی است.

سؤال‌ها و فرضیه: فرضیه این پژوهش این است که در طول تاریخ آیین پیاده روی اربعین حسینی به سازماندهی جامعه/جوامع عینیت بخشیده است و زمینه‌ساز حماسه‌ها و حرکت‌های سیاسی مؤثر و تاریخ‌ساز در کشور عراق بوده است. مبتنی بر این فرضیه سوال اصلی این پژوهش این است که: «مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی برای تبدیل به امر سیاسی دارد؟». مبتنی بر این سوال، سؤالات فرعی زیر نیز مطرح می‌شود: ۱- مراسم اربعین در طول تاریخ تا چه اندازه توانسته است زمینه شکل‌گیری حرکت‌های سیاسی مردمی علیه گفتمان‌های متخاصم شود؟؛ ۲- مؤلفه‌ها و عناصر گفتمان حسینی مراسم اربعین چیست؟؛ ۳- چه گفتمان‌های رقیب و با چه مشخصاتی در برابر گفتمان حسینی در طول تاریخ وجود داشتند؟ (با اشاره موردی به واقع تاریخی)

روش تحقیق: در این مقاله با روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف به تحلیل عناصر و مؤلفه‌های گفتمان حسینی در مراسم پیاده‌روی زیارت اربعین خواهیم پرداخت. بر اساس چهارچوب و مؤلفه‌های روش پژوهش تحلیل گفتمان لاکلا و موف، مراحل زیر می‌بایست برای تحلیل گفتمان حسینی در این پژوهش صورت گیرد:

۱. تبارشناسی شکل‌گیری گفتمان حسینی در مراسم پیاده‌روی اربعین برای شناخت شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سوژه (مطالعه توصیفی - تاریخی)

۲. تعیین نظام معنایی گفتمان ناسیونالیسم عربی (تعیین دال و مدلول و نقطه گره‌گاهی گفتمان حسینی)

۳. بررسی رویکرد تقابل یا سازش گفتمان حسینی با گفتمان‌های هژمونیک رقیب در دوره‌های مختلف تاریخی

۴. شناخت گفتمان‌های رقیب و متخاصم و بررسی نگاه گفتمان‌های رقیب به مؤلفه‌های گفتمان حسینی

۱- پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های متعدی و هرکدام با زاویه دید و روش پژوهشی متفاوتی درباره مراسم پیاده‌روی اربعین

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

انجام شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱- مجموعه گزارش‌های «روایت پیاده‌روی اربعین: روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناختی از پیاده‌روی اربعین»، زیر نظر محمدرضا جوادی یگانه و محمد روزخوش، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران، ۱۳۹۸. این کتاب در ۹۷۱ صفحه، مجموعه ۱۶ روایت از پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۶ است. نویسندگان این کتاب تلاش می‌کنند مبتنی بر روش مشاهده‌نگاری گزارش دست اولی از این مراسم در اختیار جامعه علمی قرار دهد. رویکرد اصلی در این روایت‌ها، توصیف راهپیمایی و جنبه‌های متنوع آن است. گزارش‌های دقیق مبتنی بر «توصیف غنی» از این مناسک مهم و موثر، نه فقط یافته‌های بی‌بدیل و غیرقابل جایگزینی از معناها و تفسیرهای کنشگران آن به دست خواهد داد، بلکه می‌تواند در سطح تحلیل کلان اجتماعی و فرهنگی نیز مفید و راهگشا باشد.

۱-۲- مقاله «أثر زيارة الاربعينية في مقاومة نظام البعث» (تأثیر زیارت اربعین بر مقاومت در برابر نظام بعث)، عدنان ارحیم القیسی، دانشکده ادبیات دانشگاه عراقیه، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی اربعین حسینی، سال پنجم، دوره پنجم، شماره دوم، ج۱، ۲۰۱۹ م: صص ۳۴۸-۳۳۵. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و بدون اشاره به پیشینه پژوهش‌های مربوط به اربعین و دیرینه‌شناسی آن در عراق، مستقیم سراغ دوره تاریخی استقرار نظام بعث رفته است. فرضیه این پژوهش رویکرد سکولار و ضد دین نظام بعث است که با برپایی مراسم اربعین که زمینه شکل‌گیری جریان‌های اعتراضی علیه دولت گردید، مقابله می‌کرد.

۱-۳- مقاله «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳-عراق)، ندا رضوی‌زاده، نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۴: صص ۶۳۱-۵۹۵. این مقالة با اتکا به رویکرد کیفی و با تحلیل مصاحبه‌هایی که با ۳۶ زائر پیادة زن و مرد ایرانی در مسیر نجف به کربلا انجام شده، درصدد واکاوی ادراک و تفسیر این زائران از تجربة زیستة خود از این سفر است. پس از تحلیل داده های کیفی، سه مضمون اصلی شناسایی شد: تجربة تعلیق امر مادی؛ رنج مقدس؛ به مثابة مولد معنا؛ برانگیزانندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت. در انتها دربارة این یافته‌ها بحث، و دلالت‌های عملی مرتبط ارائه می‌شود.

۱-۴- مقاله «واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین: روایتی مردم شناختی از پدیده عظیم پیاده‌روی اربعین»، اسماعیل شراهی و محمدمهدی ذوالفقارزاده کرمانی، نشریه دین و ارتباطات، سال ۱۳۹۸، دوره ۲۶، شماره ۱: صص ۱۴۸-۱۱۵. در این مقاله سعی شده است رفتار مردم عراق و خادمان در میزبانی از زائران اربعینی از دیدگاه و تجربه زیسته زائران روایت شود. نوع تحقیق کیفی و از سنخ

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مردم شناسی است. روش گردآوری داده ها مشاهده مشارکتی و مصاحبه فردی و گروهی می باشد که پژوهشگران با بهره گیری از آن ها و حضور چندین باره در این پیاده روی و مشارکت در آن، مشاهدات و یافته های خود را دسته بندی و ارائه می نمایند.

۱-۵- مقاله «کاوشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن»، سید محمد موسوی و رضا بیات، نامه فرهنگ و ارتباطات سال سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۷ شماره ۱ :صص ۱۱۶-۹۳. این مقاله، در دو بُعد سیاسی و اجتماعی، اثرگذاری مراسم پیاده‌روی اربعین را مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد و از این دریچه پژوهشی، به جُستار کارکردهای «اجتماعی» نظیر هویت یابی، سبک زندگی، اصلاح جامعه، زمینه سازی ظهور و ...، و همچنین به کارکردهای «سیاسی» نظیر مقاومت، وحدت، امنیت آفرینی، استکبارستیزی و ... می پردازد.

۱-۶- مقاله «اربعین منسک اجتماعی در قواره ای تمدنی: ظرفیت‌ها و زیر سیستم‌های تمدنی»، نویسنده: حسین محمدی سیرت، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۲: صص ۲۶-۵. به اعتقاد نویسنده این مقاله، مناسک اجتماعی اسلامی و به خصوص اربعین حسینی محدود به مناسک هویتی چون مناسک قومی، مناسک ملی و مناسک زبانی نیستند و حتی از مرزهای هویتی دینی هم فراتر رفته و منسک اجتماعی‌ای را جلوه‌گر شده است که اقوام، ملیت‌ها، زبان‌ها و ادیان مختلف را در خود جای داده است. اربعین تمرینی برای شکل‌گیری تمدن جهانی موعود است که تمامی لایه‌های هویتی انسان را در بر می‌گیرد. منسک اجتماعی اربعین موجبات خلق ظرفیت‌ها و زیرسیستم‌های تمدنی می‌شود که مهم‌ترین آنان عبارتند از: الگوی اقتصادی تعاون محور، معنای فرهنگی و هنری تمدنی، نظم اجتماعی نوین، امنیت ایجابی، هویت تمدنی.

مقاله پیش‌رو: «تحلیل تاریخی امر سیاسی در مراسم اربعین حسینی»، سعی می‌کند اثرگذاری سیاسی گفتمان شیعی در مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی را در لابلای حوادث و وقایع تاریخی و مبتنی بر تقابل گفتمان شیعی با گفتمان‌های رقیب استعماری و بعث سکولار مورد بررسی قرار دهد. کاری که تا کنون در هیچ پژوهشی صورت نگرفته است.

۲- آیین پیاده‌روی اربعین به‌مثابه یک برساخت گفتمانیِ امر سیاسی

این پژوهش ترکیبی از تأملات نظری پیرامون چگونگی بازنمایی امر سیاسی در ساخت اجتماعی واقعیت (در اینجا آیین پیاده روی اربعین) است. بازنمایی امر سیاسی تغییر پارادایمیکی را نشانه دار می کند که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

امروزه این نکته را تداعی می کند که »معنا«ی واقعیت صرفا و یا لزوما توسط سرمایه های مادی تولید و روابط قدرت (دولت) به عنوان ساختار سنتی امر سیاسی (آنچنان که میکل اوکشات معرفی می کند) ساخته نمی شود. منطق این رستاخیز، عمومی شدن امر سیاسی است (لفت ویچ، ۱۹۸۴: ۵۴)؛ مآلاً ساخت یابی امر سیاسی لاجرم موکولِ شیوه های بازنمایی واقعیت در حیات اجتماعی آدمی و سویه های اجتماعی آن است و متقابلا پایانی بر سویه های خصمانه سیاست است.

بر اساس نظریه لاکلا و موف، گفتمان‌ها از طریق مفصل‌بندی دال‌ها حول یک دال مرکزی[1] شکل می‌گیرند و با ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی، هویت‌های جمعی را سامان می‌دهند. در این پژوهش، آیین پیاده‌روی اربعین به‌مثابه عرصه‌ای گفتمانی تحلیل می‌شود که در آن مجموعه‌ای از دال‌های شناور نظیر «شهادت»، «مظلومیت»، «عدالت‌خواهی»، «جمع‌گرایی» و «مقاومت» حول یک دال مرکزی (حسین/ قیام حسینی) مفصل‌بندی شده و به یک نظام معنایی نسبتاً منسجم تبدیل می‌شوند. این انسجام، نه طبیعی و نه پایدار، بلکه حاصل نزاع گفتمانی با گفتمان‌های رقیب و تلاش برای تثبیت موقت معناست (لاکلا، ۱۹۹۶م: ۷۸).

در این چارچوب، «امر سیاسی»[2] به‌معنای حضور همیشگی ضدیت[3] و امکان منازعه بر سر معنا فهم می‌شود، در حالی که «سیاست»[4] به مجموعه نهادها، تصمیم‌ها و کنش‌های عینی اطلاق می‌گردد که در پی مدیریت و مهار این ضدیت‌ها هستند (موف، ۲۰۰۵م: ۲۰). بر این اساس، آیین اربعین زمانی واجد کیفیت امر سیاسی می‌شود که به عرصه‌ای برای ظهور و بازتولید ضدیت گفتمانی بدل گردد؛ ضدیتی که در آن، گفتمان حسینی از طریق ساخت «دیگری» (نظیر گفتمان استعمار یا بعث)، مرزهای هویتی خود را تعریف و تثبیت می‌کند. بنابراین، تمرکز این پژوهش نه صرفاً بر وقایع سیاسی یا کنش‌های اعتراضی، بلکه بر چگونگی شکل‌گیری مرز «ما/آن‌ها» و نقش آن در تولید هویت سیاسی شیعی است.

از منظر لاکلا و موف، هژمونی زمانی شکل می‌گیرد که یک گفتمان خاص بتواند دال‌های شناور را به‌گونه‌ای مفصل‌بندی کند که به‌عنوان معنای غالب و بدیل‌ناپذیر بازنمایی شود(لاکلا، ۱۹۹۶م: ۷۸). در این پژوهش، فرض بر آن است که آیین پیاده‌روی اربعین در برخی مقاطع تاریخی، به‌ویژه در شرایط بحران هژمونیک، به بستری برای هژمونیک‌شدن گفتمان حسینی بدل شده و امکان بازتعریف نظم اجتماعی مسلط را فراهم آورده است. در عین حال، پژوهش با حفظ فاصله تحلیلی، این فرآیند را نه به‌مثابه حقیقتی

1. Nodal Point
2. The Political
3. Antagonism
4. Politics

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

رهایی‌بخشِ مفروض، بلکه به‌عنوان یک سازوکار گفتمانی بررسی می‌شودکه هم‌زمان فرآیندهای قدرت، شمول و طرد را تولید می‌کند.

از حیث روشی، این مطالعه با رویکردی کیفی و تحلیل گفتمان لاکلا و موف، به بررسی متون، شعارها، روایت‌ها و بازنمایی‌های مرتبط با آیین اربعین در دو مقطع تاریخی انقلاب ۱۹۲۰ و انتفاضه صفر ۱۹۷۷ می‌پردازد. هدف، شناسایی دال‌های مرکزی، دال‌های شناور، منطق مفصل‌بندی و سازوکارهای ضدیت در گفتمان حسینی و گفتمان‌های رقیب است. بدین‌ترتیب، تحلیل تاریخی در این پژوهش نه غایت، بلکه ابزاری برای فهم پویایی‌های گفتمانی و منازعات معنایی تلقی می‌شود.

در نهایت، این چارچوب نظری امکان آن را فراهم می‌آورد که آیین پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک میدان گفتمانی سیال تحلیل شود که در آن، امر سیاسی به‌واسطه ناممکنی تثبیت نهایی معنا و استمرار نزاع هژمونیک، همواره در حال بازتولید است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۳- تبارشناسی مراسم پیاده‌روی اربعین

زیارت امام حسین(ع) در روز اربعین در احادیث بسیاری سفارش شده است. حدیث مشهور از امام حسن عسگری (ع) است که نشانه مؤمن را پنج مورد می‌داند که یکی از آن زیارت اباعبدالله در روز اربعین است. همچنین امام صادق(ع) زیارت‌نامه‌ای دراین خصوص با عنوان زیارتنامه اربعین دارند (طوسی، ۱۴۱۷هـ.ق، ج۶: ۱۱۳). نقل است که جابر ابن عبدالله انصاری از صحابه پیامبر، در روز ۲۰ صفر سال ۶۱ هجری، پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین(ع) به کربلا می‌رسد و اولین کسی است که در کربلا به زیارت و عزاداری اباعبدالله می‌پردازد.

«تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سید الشهداء(ع)» کتابی است که شهید محراب، سید قاضی طباطبائی در آن به بررسی اولین زیارت اربعین در سال ۶۱ هجری قمری توسط اهل بیت در چهلمین روز شهادت امام حسین(ع) پرداخته است. ایشان بازگشت اهل بیت به کربلا چهل روز پس از واقعه عاشورا را اثبات می‌کند و همچنین می‌نویسد که زیارت اربعین امام حسین(ع) از زمان ائمه و در دوره امویان و عباسیان مرسوم بوده است (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۵ :۲). البته به گفته قاضی طباطبائی انجام زیارت در اربعین سال ۶۱ هجری توسط اهل بیت پیامبر در کربلا محل اختلاف عالمان دینی و پژوهشگران تاریخ تشیع است که ایشان در کتاب خود به تک تک نظرات موافق و مخالف پرداخته‌اند. محمدباقر مجلسی[1] در

۱. ۱۰۳۷-۱۱۱۰ ه.ق

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

«بحار الانوار»(مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰۱: ۳۳۴ـ۳۳۵)، میرزا حسین نوری مشهور به محدث نوری[1] در «لؤلؤ و مرجان» (نوری، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۶۱)، شیخ عباس قمی[2] در «منتهی الآمال» (قمی، ۱۳۹۳، ج۱: ۶۲۱) و میرزا ابوالحسن شعرانی[3] در «ترجمه نفس المهموم» و از معاصران افرادی همچون محمدابراهیم آیتی در «بررسی تاریخی عاشورا» (آیتی، ۱۳۷۵: ۱۴۸) و مرتضی مطهری در «حماسه حسینی» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۰)، ورود اهل بیت به کربلا را در نخستین اربعین نپذیرفته‌اند. اما کسانی همچون ابن نما حلّی[4] در «مثیر الاحزان» (حلی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۱۰۷)، سید بن طاووس در «لهوف» (ابن طاووس، ۱۳۹۴ :۲۷۳-۲۷۲) و شیخ مفید[5] در «مسار الشیعه» (مفید، ۱۳۷۲ : ۴۶) معتقدند که اهل بیت(ع) در همان نخستین اربعین به کربلا آمده‌اند. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیة، ملاحسین کاشفی و شیخ بهایی نیز بر این نظرند (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۵ : ۱۳۳-۳۳).

سید جواد شبر نویسنده دائره المعارف ادبیات کربلا که در سال ۱۴۰۹ قمری منتشر گردید، مراسم اربعین را اینگونه تعریف کرده است: «روز چهلم شهادت حسین بن علی بن ابی طالب که روز بیستم ماه صفر است و یکی از بزرگترین اجتماعات اسلامی به حساب می‌آید. در آن روز مردم همچون اجتماع خود برای ادای فریضه حج واجب در مکه مکرمه، در شهر کربلا از شمال و جنوب عراق و سایر کشورهای اسلامی جمع می‌شوند و در این موکب عظیم شعارها و عزاداری‌هایی به زبان عربی و فارسی و ترکی و اردو خوانده می‌شود. روایت‌ها حاکی از آن است که در این روز سر مبارک حسین بن علی به جسد ایشان باز می‌گردد ». (شبر، ۱۴۰۹ه.ق، ج۱ :۴۱)

نظام بعث عراق با برپایی مراسم زیارت اربعین مخالفت می‌کرد و راه‌های ورود به کربلا را در روزهای منتهی به اربعین حسینی مسدود می‌کرد. اما با سقوط نظام بعث عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، تعداد زائرین اربعین حسینی برای احیای این مراسم دینی و سنتی فولکلور عراقی، به چند میلیون نفر رسید. به طوری که در سال اول سقوط نظام بعث تعداد زائرین سه میلیون نفر و در سال‌های بعد بیش از ده میلیون نفر زائر بیان شده است. طبق آمار در سال۲۰۲۲ میلادی، تعداد زائرین مراسم اربعین حسینی ۲۱ میلیون و ۱۹۸ هزار و ۶۴۰ نفر بوده است. (فرات نیوز، ۲۰۲۲/۹/۲۱).

زیارت با پای پیاده آیینی است که از گذشته مرسوم بوده و در ادیان و مذاهب مختلف به آن سفارش

۱. ۱۲۵٤-۱۳۰۸ ه.ق
۲. ۱۲۹۴-۱۳۵۹ه.ق
۳. ۱۳۲۰ - ۱۳۹۳ هـ ق
٤. محمد بن جعفر بن نمای حلی (متولد حدود ٥٦٥ ه.ق)
٥. مُحمّد بن مُحمّد بن نُعمان (۳۳۶ - ۴۱۳ ه.ق) ملقب به شیخ مُفید

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

شده است. از حضرت آدم (ع) که بیان شده هزار بار مسیر خانه خدا را با پای خود پیمود (دربندی، ۱۳۹۲: ۱۳۶) تا قیصر پادشاه روم که پس از پیروزی در جنگ با ایرانیان با پای پیاده، از قسطنطنیه به زیارت بیت‌المقدس رفت (سبحانی، ۱۳۸۵: ۶۹۶). در گفتمان شیعی نیز فرهنگ زیارت با پای پیاده وجود دارد و به آن توصیه فراوان شده است. امام صادق(ع) ثواب یک حج با پای پیاده را برابر هفتاد حج می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ه.ق، ج۳: ۵۳). همچنین ایشان ثواب زیارت امام علی(ع) با پای پیاده را برابر ثواب دو سفر حج و دو عمره بیان نموده است (ابن طاووس، ۱۳۹۲: ۷۵). ایشان درباره ثواب زیارت اباعبدالله الحسین (ع) با پای پیاده فرموده‌اند:

«هر کس با پای پیاده به زیارت قبر امام حسین(ع) برود، خداوند متعال به گامی که برمی‌دارد، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد اسماعیل را می‌دهد» (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۹: ۴۳۹). ابن قولویه در کامل الزیارت بیش از ده روایت درباب ثواب پیاده رفتن به زیارت امام حسین(ع) را جمع کرده است که نمونه آنها: آمرزیدن تمام گناهان در قدم اول و نوشتن اعمال نیکو و حسنات در قدم دوم، رفع حوائج دنیوی، دفع بلاء در دنیا و آخرت، رهایی از آتش جهنم و ... است (ابن قولویه، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۴۲).

همچنین در سیره علمای شیعه نیز تشرف به زیارت با پای پیاده بسیار مشاهده شده است. علمایی از جمله آخوند خراسانی، شیخ انصاری، میرزا حسین نوری و حتی حاکمان آل بویه از جمله جلال الدوله دیلمی و بسیاری دیگر هستند که با پای پیاده به زیارت قبر حسین بن علی(ع) رفته‌اند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ه.ق، ج۸: ۱۱۵).

۴- دال‌های سیاسی گفتمان حسینی در مراسم پیاده‌روی اربعین

در چارچوب تحلیل گفتمان لاکلا و موف، می‌توان دال مرکزی گفتمان حسینی را «قیام حسینی به‌عنوان مقاومت علیه ظلم و استبداد» در نظر گرفت. حول این دال مرکزی، مجموعه‌ای از دال‌های شناور شکل گرفته‌اند که در طول تاریخ با یکدیگر مفصل‌بندی شده و انسجام گفتمانی ایجاد می‌کنند. این دال‌ها شامل:

۴-۱- مبارزه با ظلم و فساد و استکبار

نهضت عاشورا به مسلمانان نشان داد که در برابر ظلم و فساد و استکبار حاکمان، راهی جز مقاومت وجود ندارد و هیچ سازشی در برابر ظلم پذیرفتنی نیست و باید در برابر نظام حاکم ایستادگی کرد. این نگاه در تکوین تاریخ تشیع وجود داشته و قیام‌ها و خیزش‌های بسیاری را علیه ظلم و ستم امویان و عباسیان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

به وجود آورده است. به اعتقاد کامل مصطفی الشیبی، این ظلم‌ستیزی میراث اصلی شیعیان است که از سقیفه به وجود آمده و در عاشورا به اوج رسیده است و تشیع هیچگاه از این شعار خود فاصله نگرفته است (الشیبی، ۱۳۸۱: ۳۸-۲۶).

مراسم پیاده‌روی اربعین نیز به عنوان نماد و نشانه گفتمان حسینی، روح ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی را همواره با خود همراه دارد. زیرا اربعین زمینه تمسک و پیروی از سیره حسین بن علی که قتیل العبره (کشته شده عبرت‌ها) است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج۳، ۲۳۹) را برای هر مؤمنی فراهم می‌کند. قطعا به همین دلیل بود که سال‌ها در زمان رژیم بعث، مراسم اربعین با ممنوعیت و محدودیت‌های بسیار مواجه بود چون رژیم به ظرفیت بالای این مراسم برای عبرت‌آموزی و ظلم‌ستیزی و مقاومت مردمی پی برده بود.

۴-۲- استقلال‌طلبی

عدم پذیرش بیعت اباعبدالله با یزید، نشانه روح استقلال طلبی ایشان بود که به هیچ وجه زیر بار پذیرش حرف زور نمی‌رفت حتی اگر در این راه کشته شود. ایشان در خطبه روز عاشورای خود خطاب به نیروهای دشمن می‌فرماید:

«هیهات منا الذله، زیرا خداوند، رسول خدا و مؤمنان بر ما زبونی و ذلت را نمیپسندند و دامنهای پاکیزهای که ما را در خود پرورش دادهاند، در سرهای پرحمیت و نفسهای استواری که ابدا زیر بار ظلم و تعدی نمیروند، بر ما نمیپسندند که اطاعت فرومایگان و زشت سیرتان را بر قتلگاه کریمان و شرافتمندان ترجیح میدهیم» (مجلسی، ۱۳۸۶،ج ۴۵: ۸).

تأسی به شعار هیهات من الذله، در اکثر قیام‌های ملی‌گرا پس از واقعه کربلا وجود دارد. حتی قیام‌های ایرانی ضدعربی در برابر امویان و عباسیان نیز متأثر از روح استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی حسین بن علی بودند. نیکلسون می‌نویسد: «حادثهٔ کربلا مایهٔ پشیمانی و تأسف امویان شد زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و برای انتقام امام حسین(ع) هم‌صدا شدند و صدای آنها در همه جا و خصوصاً به نزد ایرانیان که می‌خواستند از نفوذ عرب آزاد شوند انعکاس یافت» (ابراهیم حسن، ۱۳۸۹: ۳۵۲).

در دوره استعمار نیز تأسی به شخصیت استقلال‌طلب حسین بن علی که با هیچ رژیم فاسدی از در سازش وارد نمی‌گردید، موجب شکل‌گیری انقلاب‌های استقلال‌طلب و ضداستعماری قرن بیستم در کشورهای اسلامی گردید.

۴-۳- ایجاد اتحاد میان مسلمانان

قیام کربلا آغاز یک نهضت بود که قرن‌ها محور وحدت و اتحاد مسلمانان به خصوص شیعیان و

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

دوستداران اباعبدالله(ع) برای برداشتن مجدد علم نهضت حسینی و برقراری حکومت اسلامی گردید. یکی از کارکردهای مؤثر آیین‌ها و مراسم‌های ملی و مذهبی، ایجاد وجدت اجتماعی است که طبق مطالعات جامعه‌شناختی، می‌تواند مبدأ شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی کارآمد و الگویی برای دیگر جنبش‌های اجتماعی شود که در نهایت وحدت گروهی و انسجام اجتماعی پنهانی را به وجود خواهد آورد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۴۹). مراسم اربعین نیز توانسته است چنین کارکردی در ایجاد وحدت میان انقلاب‌ها و جنبش‌های ضداستکباری معاصر را به وجود آورد. همانگونه که امام خمینی(ره) فرمودند: «اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه، هم تبلیغ کرده و هم عمل کرده است؛ یعنی روزهایی را پیش آورده است که با خودِ این روزها و انگیزه این روزها، تحکیم وحدت می‌شود؛ مثل عاشورا و اربعین» (خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۵: ۴۳۸).

۴-۴-اجرای احکام اسلام اصیل (شریعت‌گرا)

در روایات آمده است، امام حسین(ع) در سفری به مکه برای مراسم حج شرکت می‌کند و در منی سخنرانی می‌فرماید مبنی بر اینکه: «مسلمانان! آیا شما حلال خدا را حرام می‌دانید و حرام خدا را حلال؟»، همه مردم جواب می‌دهند که به خدا سوگند نه!، سپس امام می‌فرمایند: «این حاکم شما شراب می‌خورد، قماربازی می‌کند، خلیفه‌ای که باید با قرآن مأنوس باشد، با سگ بازی می‌کند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰۰: ۷۹). همانگونه که عبدالله بن عمر در پاسخ به درخواست بیعت با یزید بن معاویه گفت: « با کسی که میمون باز و سگ باز و شراب خوار و دارای فسق آشکار است، بیعت کنم، در این صورت به خداوند چه پاسخی بدهم؟» (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۸۹: ۲۲۰). بنابراین امام حسین(ع) به دنبال اجرای احکام شریعت مبتنی بر اسلام اصیل بودند و فرمودند که: «طبق سیره جدم رسول الله و پدرم امیرالمؤمنین عمل خواهم کرد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج۴۴: ۳۲۹). همچنین آنجا که امام در روز عاشورا خطاب به سپاهیان دشمن می‌فرماید: «شکم هایتان از حرام پر شده است، و خداوند بر دل های شما مُهر زده است» (خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۸-۶)، باز نشان از اهمیت امام به رعایت احکام دین و محافظت از زندگی خود در برابر امر حرام دارد.

مراسم پیاده‌روی اربعین می‌تواند محل تربیت انسان برای اجرای احکام دین همچون برپایی نماز اول وقت به صورت جماعت، آموزش طهارت، رعایت بهداشت، رعایت حقوق مسلمین، رعایت آداب زیارت و بسیاری احکام فردی و اجتماعی دیگر باشد.

۴-۵-توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی (اسلام انقلابی)

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

امام حسین(ع) انگیزه اصلی خود برای قیام و خروج از حاکمیت یزید را اصلاح امت و اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانسته است(مجلسی، ۱۳۸۶، ج۴۴: ۳۲۹). تأکید بر گزاره امر به معروف و نهی از منکر در یک قیام اعتراضی علیه حکومت زمان، نشان‌دهنده توجه امام به تمام امور اجتماعی و سیاسی انسان زمانه خود است. بنابراین برخلاف دیدگاه اسلام سکولار، اهداف حکومت بسیار فراتر از تأمین رفاه و امنیت دنیوی و معیشتی مردم است، چرا که اصلاح امت امکان پذیر نیست مگر با تشکیل یک حکومت سالم.

به این ترتیب، مراسم پیاده‌روی اربعین نه صرفاً مناسک مذهبی، بلکه فضایی گفتمانی برای مفصل‌بندی دال‌ها حول هسته مقاومت و امر سیاسی است. این مفصل‌بندی، امکان شکل‌گیری هژمونی موقت گفتمان حسینی، تعریف «دیگری» در برابر گفتمان‌های رقیب، و سازماندهی اجتماعی مبتنی بر امر سیاسی را فراهم می‌آورد.

۵- شناخت تاریخی گفتمان‌های رقیب و متخاصم و بررسی نگاه آنها به مؤلفه‌های گفتمان حسینی و مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی

۵-۱- گفتمان هژمونیک استعمار در مقابل گفتمان استقلال‌طلب حسینی (شکل‌گیری محوریت کربلا و ادبیات عاشورایی در انقلاب ۱۹۲۰ عراق)

پس از آغاز جنگ جهانی اول، نیروهای انگلستان به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان به کشور عراق حمله کردند. این حمله و مداخله نظامی، برخلاف تمام موازین و معاهدات بین‌المللی بود که منجر به استیلای کشورهای غربی بر سرزمین‌های اسلامی گردید و حتی با پایان جنگ جهانی اول نیز این سیطره ادامه پیدا کرد. بریتانیا می‌خواست عراقی‌ها را وادار کند که «سر پرسی زکریا کاکس»، کمیسر عالی بریتانیا را به عنوان نخست وزیر عراق بپذیرند. طرح نام زکریا کاکس که کارنامه سیاهی در تامین منافع بریتانیا در کشور ایران به ویژه در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ داشت، با مخالفت علمای دین در عراق مواجه شد. با این اقدام بریتانیا، میرزا محمدتقی شیرازی در تاریخ ۱۹۱۹/۱/۲۳ فتوای خود را از کربلا صادر کرد که به منزله رد قاطعانه اشغالگری بریتانیا، سلب هرگونه اختیار بر عراقی‌ها و اعلام قاطعانه ضرورت جهاد مسلحانه علیه آن و علیه برنامه‌هایش بود که در پشت این همه پرسی ساختگی پنهان شده بود.

اولین جرقه شکل‌گیری اعتراضات ضداستعماری مردم عراق با فتوای تاریخی میرزای شیرازی زده شد که در آن انتخاب غیرمسلمانان برای حکومت بر کشور مسلمان منع شد. این بیانیه توسط هفده نفر از

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

علما و بزرگان شهر کربلا امضا گردید. در تابستان ۱۹۲۰ (۱۲۹۸ شمسی) تظاهرات گسترده مردم عراق، منجر به مبارزه و انقلاب علیه استعمارگران انگلیسی شد. این فتوا، به‌عنوان یک نشانه گفتمانی، نقطه آغاز مفصل‌بندی دال‌های گفتمان حسینی حول دال مرکزی مقاومت علیه ظلم و استعمار بود. دال‌های شناور شامل عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، وحدت ملی و مقابله با سلطه خارجی بودند که با ارجاع به قیام حسین(ع) و ادبیات عاشورایی تقویت شده و در ذهن و قلب مردم انسجام ایجاد کردند.

موج اعتراضات با گسترش به مناطق شیعه‌نشین پایین و میانی فرات با مرکزیت کربلا و عتبه حسینیه و عباسیه شدت گرفت. البته با فوت مشکوک رهبر انقلاب عراق یعنی میرزای شیرازی، بریتانیا موفق شد که انقلاب مردمی عراق را شکست دهد اما موج این انقلاب و تمسک آن به قیام عاشورا تا سال‌ها در کشور عراق و دیگر کشورهای منطقه برپا بوده و هست. زیرا این اولین انقلاب ضداستعماری خاورمیانه بود که به شعارهای آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه حسین بن علی(ع) وصل می‌گردید و الهام‌بخش تمام انقلاب‌های ضداستعماری و ضدسلطنتی منطقه در دهه‌های پس از خود بود. البته پیشگامی مرجع عالیقدر میرزای شیرازی در هدایت انقلابیون و تمسک آنها به قیام امام حسین (ع) و ترسیم مسیر و نقشه انقلاب و بسیج تمام مسلمانان شیعه و اهل تسنن حائز اهمیت است.

در سال ۱۹۱۹ میلادی همه نشانه‌ها حاکی از آن بود که کربلا آتشی زیر خاکستر است و انقلابی از دل آن بیرون خواهد آمد. تا آنجا که فرمانده نظامی شهر حله در گزارشی در سال ۱۹۱۹ از اوضاع سیاسی منطقه خود می‌نویسد: «آشفتگی در منطقه ناشی از تبلیغات علیه بریتانیا به شدت بالا گرفته و همه این نارضایتی‌ها از کربلا سرچشمه می‌گیرد». در گزارش فرماندار شهر دیوانیه در مورد اوضاع سیاسی مناطقع سماوه، رومیثه و الشامیه در حومه نجف اشرف نیز آمده است که تحرکاتی گسترده علیه انگلیسی‌ها پس از فتوای میرزای شیرازی به وجود آمده است (آیرلند[1]، ۱۹۳۷م: ۱۹۲).

خشم شدید مردم و علمای شیعه از اشغالگری انگلیسی‌ها منجر به تشکیل انجمن مخفی ضداستعماری به نام «انجمن ملی اسلامی»[2] شد که برجسته‌ترین علما و روشنفکران و چهره‌های مطرح کربلا در آن انجمن به عضویت درآمدند و ریاست این انجمن را شیخ محمدرضا شیرازی فرزند بزرگ آیت‌الله محمد تقی شیرازی برعهده داشت و این انجمن نقش مهمی در هدایت قیام عشایر و قبایل عراقی ایفا کرد. همچنین در نجف اشرف «انجمن نهضت اسلامی»[3] تأسیس شد که بسیاری از چهره‌های ملی

1. Ireland

۲. الجمعية الوطنية الإسلامية

۳. جمعية النهضة الإسلامية

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مذهبی نجف به عضویت آن درآمدند. در بغداد نیز «انجمن پاسداران استقلال»[1] شکل گرفت. ابوالقاسم کاشانی نیز به راهنمایی شیخ الشریعه اصفهانی در شهر کاظمین «انجمن اسلامی»[2] را تأسیس کرد. اما همه این انجمن‌ها و نهادها از حمایت و راهنمایی و پشتیبانی میرزا محمدتقی شیرازی یا به تعبیری امام شیرازی برخوردار بودند.

فعال‌ترین این انجمن‌ها، انجمن ملی در کربلا بود که از ویژگی‌های آن جسارت و کارآمدی بود که باعث شد انگلیسی‌ها تعدادی از اعضای آن را در ۱ ژوئیه ۱۹۱۹ دستگیر کنند. سپس میرزای شیرازی به ویلسون رئیس جمهور وقت آمریکا پیغام داد و از او خواست که برای آزادی این افراد وساطت کند. اما پاسخ سرد ویلسون و طفره رفتن او از این کار، خشم شیرازی را برانگیخت و در پاسخ به اهانت و تحقیر مردم عراق، فتوای جهان علیه انگلیسی‌ها صادر کرد. این تصمیم میرزای شیرازی، روحیه انقلابی‌گری را در روح و جان عراقی‌ها شعله‌ور ساخت و به محض شنیدن این خبر و انتشار آن در محافل عراقی، نامه‌های متعددی از کاظمین و نجف برای حمایت از فتوای شیرازی به دفتر ایشان سرازیر شد. وقتی ویلسون از این موضوع مطلع شد، بازداشت شدگان را آزاد کرد، اعضای تبعیدی انجمن را برگرداند و مبلغی را به واسطه محمد حسین خان کابلی به دفتر میرزای شیرازی فرستاد، اما شیرازی نپذیرفت.

در اینجا بود که نشستی در بغداد با حضور تعدادی از ملی‌گراها، رهبران سیاسی و علمای دینی برگزار شد که در آن رهبر ملی‌گراها جعفر ابوالتمن آمادگی خود را برای حمایت از قیام قبایل فرات میانه و مشارکت در جنبش سیاسی فرات میانه اعلام کرد. پس از این دیدار، جعفر ابوالتمن تصمیم گرفت برای شرکت در دومین نشستی که برای مستندسازی همگرایی دیدگاه های سیاسی بین سیاستمداران بغداد و فرات میانه برگزار می‌شود، به کربلا برود. شرایط اسفباری که عراق در زیر یوغ اشغال می گذراند مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در پایان جلسه مقرر شد که ۴ نفر از حاضران به همراه ابوالتمن به دیدار میرزای شیرازی بروند. به زعم بسیاری از مورخان، این دیدار در بیت میرزای شیرازی، اولین شعله انقلاب ۱۹۲۰ عراق بود که در آن فریاد این مرجع بزرگ برای اخراج اشغالگرانی که مایه ترس و وحشت مردم عراق شده بودند بلند شد.

فیلیپ ویلارد آیرلاند نویسنده کتاب «عراق، پژوهشی در توسعه سیاسی آن»[3] می‌نویسد: «قطعاً برنامه‌ریزی انقلاب ۱۹۲۰ در کربلا و اواسط ژوئن، زمانی که نمایندگان شیوخ و بزرگان ملی به زیارت

۱. جمعية حرس الإستقلال
۲. الجمعية الاسلامية
3. Iraq : a study in political development

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

رفتند، کلید خورد» (آیرلند[1]، ۱۹۳۷م: ۲۰۰). انقلابیون پس از خروج از بیت میرزای شیرازی، همه به سمت حرم امام حسین(ع) رفتند و آنجا در مقابل حرم با خدا و رسولش و حسین بن علی(ع) عهد کردند که به قیام و حرکت خود وفادار باشند و وظیفه ملی خود را انجام دهند.

همزمان با این حرکت بیانیه آغاز انقلاب توسط میرزای شیرازی با دعوت از تمام انجمن‌ها، احزاب، گروه‌ها و قبایل برای شرکت در تظاهرات مسالمت‌آمیز برای مطالبه حقوق غصب شده مردم صادر شد. در این بیانیه آمده است: «از همه مردم بغداد، کاظمین، نجف، کربلا و سایر نقاط عراق دعوت می‌کنم که با تصمیم گرفته شده برادران خود مبنی بر برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز در سراسر کشور همراهی کنند و حقوق مشروع خود را مطالبه کنند تا ان‌شاء الله حکومتی اسلامی در بغداد روی کار آید... بر همه مسلمانان واجب است که در این اصل شریف با برادران خود موافق باشند و از برهم زدن امنیت و ایجاد اختلاف و نزاع بپرهیزند که موجب تضییع حقوق شما خواهد شد. اکنون زمان به دست گرفتن زمام امور توسط شما فرارسیده است...».

این بیانیه در سراسر عراق طنین‌انداز شد و اولین تظاهرات از کربلا آغاز گردید و ۶۵ نفر از بزرگان و علما و شیوخ کربلا در آن شرکت کردند و زیر بیانیه این تظاهرات امضا کردند. آنها خواهان حقوق مردم عراق و خواستار استقلال و آزادی برای مردم ذیل یک عراق اسلامی و عربی شدند. این حرکت در کربلا الگویی برای برپایی تظاهرات در سایر نقاط عراق شد.

میرزای شیرازی همچنین برای اثبات رویکرد مسالمت‌آمیز خود دو نامه یکی به شریف فیصل پادشاه عراق و دومی به ویلسون رئیس جمهور آمریکا فرستاد که در آن خواسته مردم عراق برای تشکیل یک دولت مستقل عربی را در عراق بیان کرده بود. اما با وجود همه این تلاش‌ها، دولت انگلیس هیچ پاسخی به مطالبات مردم عراق نداد و این باعث شد که تظاهراتی توسط نیروهای انقلابی علیه دولت انگلیس در صحن حرمین شریفین حسینی و عباسی برپا شود که دولت انگلیس با خشونت به این تجمع پاسخ داد و تعداد بسیاری از تظاهرکنندگان را دستگیر کرد. در پی این اقدام خشونت‌آمیز انگلیس، رهبران انقلابیون از بغداد و نجف و کربلا و دیگر نقاط کشور و همچنین رهبران عشایر در روز نیمه شعبان مورخ ۱۹۲۰/۵/۳ به سمت بیت مرجع شیعیان، میرزای شیرازی حرکت کردند. نتیجه این دیدار صدور فتوایی مشهور به «فتوای دفاعیه» بود که در آن بیان گردید در صورت امتناع انگلیسی‌ها از احقاق حقوق غصب شده عراقی‌ها، مردم عراق حق استفاده از سلاح و نیروی دفاعی را خواهند داشت. پس از صدور این فتوا،

1. Ireland

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مردم کربلا به چند پاسگاه پلیس حمله کردند و زندانیان را آزاد کردند. الحاق کربلا به جهاد مسلحانه در ۱۹۲۰/۷/۲۵ علاوه بر نقش رهبری این شهر، به انقلاب نیز شتاب بسیاری بخشید و این خبر با استقبال و شادی مردم عراق مواجه شد.

شعارهای مردم در تظاهرات خود بیشتر با تأسی از قیام اباعبدالله الحسین(ع) بود. شعارهایی همچون «هیهات من الذلة»، «حرکت ما همچون حرکت امام حسین یک انقلاب است و تک تک ما برای حسین شهید خواهیم شد»[1]، «حسین همواره به تو می‌گوید: در دنیای خود آزاده باشید»[2]، یا این بیت شعر از قصیده مشهور عبدالحسن زلزله شاعر و استاد دانشگاه عراقی، که در روز عاشورا سروده شده است: « این خون توست که روی دهان من حرف می‌زند ... شعر اگر خون بگوید چه می‌گوید؟»[3] (الجبوري و لعيوس غازی، ۲۰۲۱ م: ۱۹۸-۱۶۹).

بنابراین تظاهرات مسالمت‌آمیز و پس از آن قیام‌های مسلحانه، به‌ویژه در کربلا و اطراف آن، نمونه‌هایی از ظهور امر سیاسی بودند که در چارچوب لاکلا و موف، تحقق «ضدیت» و تولید «دیگری» (گفتمان استعمار به‌عنوان تهدید) را نشان می‌دهد. گفتمان حسینی از این طریق توانست هژمونی موقت معنایی ایجاد کرده و امکان سازماندهی اجتماعی مستقل را فراهم آورد.

نکته حائز اهمیت در محوریت شهر کربلا در انقلاب ۱۹۲۰، این است که این شهر علاوه بر نقش رهبری و هدایت‌گری و بسیج نیروهای انقلابی سراسر کشور، اولین شورای محلی (حکومت موقت محلی) را نیز تشکیل داد و آقای محسن ابوطبیخ پس از آزادی کربلا به دست انقلابیون در تاریخ ۱۹۲۰/۱۰/۶ به عنوان سرپرست شورای محلی کربلا منصوب گردید و تا ۱۹۲۰/۱۱/۱۳ که شهر به دست اشغالگران افتاد، اداره امور کربلا دست این شورا بود. قرار شد در این مدت شهر کربلا توسط دو مجلس علمی و ملی اداره شود: مجلس علمی متشکل از عده‌ای از علما همچون سید هبةالدین شهرستانی، سید ابوالقاسم کاشانی، میرزا احمد خراسانی، سید حسین قزوینی و میرزا عبدالحسین شیرازی (فرزند میرزای شیرازی) بود و رسیدگی به امور دینی و حکمیت در منازعات داخلی شهر و عشایر را برعهده داشت. مأموریت مجلس ملی، گرفتن مالیات، تعیین مسئولان نظامی و اداری و برقراری امنیت بود، میرزا نیز نظارت بر هر دو مجلس را بر عهده داشت. (رهیمی، ۱۳۸۰: ۲۰۳-۲۰۴).

آیت‌الله میرزای شیرازی سه ماه پس از فتوای دفاعیه و یک ماه پس از جهاد مسلحانه کربلا، در شب

۱. حسين ثورة وهاي ثورة واحنه واحدنا شهيد

۲. لايزال الحسين يخاطبكم كونوا أحرارا في دنياكم

۳. هذي دماك على فمي تتكلم / ماذا يقول الشعر إن نطق الدم

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

۱۳ ذیحجه ۱۳۳۸ قمری (۱۹۲۰/۸/۲۸) درگذشت و در صحن حرم امام حسین (ع) در کربلا دفن شد. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۲: ۷۲)

در تاریخ و چگونگی مرگ ایشان، اختلاف نظر وجود دارد. برخی مرگ ایشان را طبیعی و برخی نیز انگلیسی‌ها را در این مرگ مقصر می‌دانند. سید مرتضی طباطبایی درباره کیفیت مرگ او می‌گوید: «انگلیسی‌ها با نیرنگ و حیله به میرزا سم دادند و او را به قتل رساندند. این کار توسط یکی از کارگزارانشان که تظاهر به تدین و تقدس می‌کرد و به شغل عطاری مشغول بود، صورت گرفت...» (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۶۳).

عبدالرزاق الحسنی مورخ عراقی تاریخ مرگ ایشان را سوم ذی‌الحجة (۱۹۲۰/۸/۱۳) می‌داند و درباره تأثیر مرگ ایشان بر جریان انقلاب عراق می‌نویسد: «دو روز پس از اعلام سیاست دستگیری جوانان انقلابی عراق توسط دولت انگلیس، اعلام خبر درگذشت میرزای شیرازی، تیری در قلب مردان انقلابی بود که به شدت آنها را مضطرب و وحشت‌زده کرد. بسیاری از مبارزان انقلابی دچار تردید شدند و بسیاری نیز ناامید از ادامه مبارزه کنار کشیدند. خبر فوت ایشان در روح و روان انقلابیونی که نیاز مبرم به حضور معنوی میرزای شیرازی در کنار خود داشتند، تأثیر بسزایی گذاشت و قطعاً این یکی از دلایل شکست انقلاب در برابر نیروهای انگلیسی بود که البته حضور نفوذی‌ها در میان قبایل و قدرت نابرابر تسلیحات نظامی نیز از دیگر دلایل شکست برشمرده می‌شود» (فیاض، ۱۹۶۳: ۱۲۱).

علی الوردی جامعه‌شناسی عراقی از انتقام انگلیسی‌ها از شهر کربلا پس از درگذشت میرزای شیرازی یاد می‌کند که می‌خواستند درس عبرتی شود برای همه مردم عراق. به گفته هالدان فرمانده انگلیسی: «کربلا مسئول تمام تحرکات ۱۹۲۰ بود. به همین دلیل وقتی می‌خواستم استانداری کربلا را تصرف کنم، آب فرات را بر آنها بستم تا رنج بی‌آبی را احساس کنند» (الوردی، ۱۹۶۹م، ج۵: ۱۳۲). از این رو کربلا در ۱۹۲۰، تاریخ دیگری از مظلومیت و محرومیت همراه با عطش را شاهد بود که با قیام و خیزش آنان علیه استبداد رقم خورد.

۵-۲- اسلام سکولار گفتمان بعث در مقابل اسلام انقلابی گفتمان حسینی (بررسی وقایع انتفاضه ۱۹۷۷ کربلا در مراسم پیاده‌روی اربعین)

در پرتو نظریه لاکلا و موف، می‌توان دید که مواجهه گفتمان حسینی با گفتمان سکولار بعث، نمونه‌ای بارز از برساخت امر سیاسی از طریق مفصل‌بندی دال‌ها و تولید «دیگری» متخاصم است. وقایع انتفاضه ۱۹۷۷ نشان می‌دهد که مرجعیت شیعه و زائران اربعین با بازآرایی دال‌های مقاومت، استقلال‌طلبی و

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

هویت دینی، امر سیاسی را در سطح اجتماعی شکل دادند و همزمان، گفتمان بعث با تلاش برای تحریف و حذف این دال‌ها، سعی در محدودسازی هژمونی گفتمان حسینی داشت. این روند، خود نمود آشکار ضدیت و چگونگی تثبیت نسبی هژمونی گفتمان حسینی است که لاکلا و موف آن را محور شکل‌گیری امر سیاسی می‌دانند.

شاخه عراقی حزب بعث در ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۶۸ با کودتایی به قدرت رسید و از فوریه این سال پسوند عراق را از نام خود حذف کرد و نامی دقیقاً مشابه نام حزب اصلی بعث یعنی حزب بعث عربی سوسیالیستی برای خود برگزید. نکته قابل توجه در سیاست‌های رژیم بعث، ارتباط و تکیه این رژیم بر مانیفست حزب کمونیست عراق بود. توافق میان این دو حزب منجر به تأسیس جبهه ملی و ناسیونالیستی مترقی[1] در سال ۱۹۷۳ میلادی گردید. این جبهه تلاش می‌کرد همچون کمونیست‌ها رویکردی سکولار و دین‌ستیز در برابر آیین‌ها و مناسک دینی اتخاذ کند. به تعبیری دیگر گفتمان سکولار حزب بعث، به عنوان گفتمان رقیب جریان شیعی، نقش «دیگری» و نقش دشمن متخاصم را بازی می‌کرد.

مرجعیت شیعه در دوره عبدالرحمن عارف به این نتیجه رسیده بود که این دولت ماندگار نخواهد ماند و به همین دلیل هیچ نوع مواجهه مثبت یا منفی با دولت نداشت. اما با قدرت رسیدن حزب بعث در عراق، مرجعیت شیعه ابتدا جلساتی را با احمد حسن البکر رئیس جمهور جدید عراق برگزار کرد و درباره چند موضوع همکاری مشترک مانند پروژه تأسیس دانشگاه کوفه با مدیریت حوزه علمیه نجف و عدم اعزام طلاب حوزه علمیه به خدمت سربازی به توافق رسید. چرا که حسن البکر اعتقاد داشت که آنها طلاب را برای جهاد علیه حکومت آماده می‌کنند. (راسم النفیس، ۲۰۱۴: ۶۹)

اما به مرور حزب بعث به دلیل احساس شکنندگی در مقابل رقبای خود، دست به سیاست ارعاب و خشونت علیه مخالفان خود زد و برای کسب محبوبیت در میان شهروندان تلاش کرد با اتهام «توطئه‌گری» و با شعار «شکستن حلقه‌های نفوذ و جاسوسی»، به تخریب رقبای خود بپردازد و در این میان سهم زیادی از تخریب و دشمن‌سازی به سوی مرجعیت شیعه بود. (الزبیدي، ۲۰۰۷م: ۷۸)

دو عنصر اساسی که گفتمان بعث بر آن استوار بود، اول ایجاد سناریوهای خیالی توطئه و خیانت بود و دوم رویکرد شوونیستی سران این حزب در برخورد و مواجهه با مخالفان خود بود. (عبد الجبار، ۲۰۱۰م: ۱۴۵)

حزب بعث از زمان روی کار آمدن خود تلاش کرد تا مراسم مذهبی پیاده‌روی اربعین حسینی را که

۱. الجبهة الوطنية والقومية التقدمية

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مسلمانان شیعه طی قرن‌ها به آن پایبند بوده‌اند، لغو کند و حتی این مراسم عزاداری را به جشن و شادی تبدیل کند تا احساسات و عواطف و غیرت دینی مسلمانان شیعه را به دلیل توهین به مصیبت امام حسین (ع) تحریک کند. اولین کاری که رژیم بعث در جهت ایجاد تنش و اختلاف در میان زائرین اربعین حسینی ایجاد کرد، تلاش برای محدود کردن و تضعیف نقش مرجعیت شیعه و بی‌ثبات کردن جایگاه دینی آن در دل پیروانش بود. بر اساس همین برنامه، در سال ۱۹۶۹ میلادی اتهام جاسوسی به مهدی الحکیم فرزند مرجع دینی آیت‌الله محسن حکیم زده شد. اما این تلاش‌ها نه تنها جایگاه مرجعیت را زیرسوال نبرد بلکه نقش اجتماعی و سیاسی آن را دوچندان کرد که نمونه آن در حوادث صفر ۱۹۷۷ میلادی بود که روشنگری مرجعیت منجر به شعله‌ور شدن انتفاضه مردمی شد.

«جبهه ملی و ناسیونالیستی مترقی» که به دنبال پیروی از خط و فکر کمونیست‌ها بود، به صورت علنی به تقابل و تخریب دینداری پرداخت. این جریان نسخه تحریف شده‌ای از واقعه کربلا ارائه کرد که ناشی از عدم درک عمیق آنها از حرکت تاریخی حسین بن علی بود. این عدم درک درست ناشی از سلطه اندیشه کمونیست بر ساختار سیاسی کشور بود که منجر به ارائه تصویری مبهم و جعلی از حادثه کربلا در رسانه‌های دولتی می‌گردید. تحریف تاریخ شیعه از سوی نیروهای جبهه ملی منجر به فعال شدن اسلام‌گرایان و درخشش علمای شیعه گردید تا بتوانند این خلأ و ناآگاهی دینی را جبران کنند (بطاطو، ۲۰۰۴م: ۳۷).

البته جنبش‌های سیاسی مذهبی به صورت مخفیانه از سال ۱۹۵۷ فعالیت خود را در مبارزه با جریان کمونیستی عراق و مقاومت در برابر خط سکولاریسم دینی آغاز کرده بودند که در خط مقدم این گروه‌ها حزب الدعوه قرار داشت که توسط محمد باقر صدر تأسیس شد و در واکنش به مبارزه با جریان کمونیستی و مقاومت در برابر سکولاریسم تأسیس شد. (بطاطو، ۱۹۹۳م، ج۳: ۲۲۷). رهبری حزب کمونیست عراق با گسترش فعالیت جنبش‌های سیاسی مذهبی بود که در دهه هشتاد میلادی احساس کرد که زمان آن فرا رسیده است که آنچه را «جریان ارتجاع سیاسی- مذهبی» می‌خواند، محکوم کند. (الخیون، ۲۰۱۳م: ۱۲۰-۱۱۹).

بنابراین، دو متحد حزب بعث و حزب کمونیست، مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی را بهانه قرار می‌دهند و در بیانیه‌ای تاریخی در سال ۱۹۷۷ علیه مرجعیت شیعه و فعالان و روشنگران دینی اقدام می‌کنند. بیانیه‌ای که مبتنی بر همان سیاست اتهام‌زنی، نیروهای مذهبی- سیاسی را به عنوان نیروهای «ارتجاعی» توصیف کرده و علیه آنها دستور داخلی صادر می‌کند. در بخشی از این بیانیه آمده است:

«اوضاع داخلی در حال حاضر شاهد تشدید فعالیت‌های توطئه‌آمیز با الهام از محافل امپریالیستی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

ارتجاعی است. این تشدید در زمان حاضر با اقدامات تحریک آمیز در زیر این نماها به مناسبت اربعین امام حسین (علیه السلام) از احساسات مذهبی و فرقه‌ای سوء استفاده می‌کند. از وقایع روزهای گذشته چنین برمی‌آید که فعالیت «مذهبی- فرقه‌ای» خصمانه با اقتدار ملی چیزی جز پوششی برای توطئه ارتجاعی امپریالیستی نیست که راهپیمایی انقلابی کشورمان را هدف قرار داده است. حزب کمونیست عراق ما قاطعانه در کنار اقتدار ملی و حزب متحد بعث ایستاده است و این فعالیت‌های توطئه‌آمیز خصمانه را به هر شکلی که به نظر می‌رسد متوجه کل مردم مبارز ما، توده‌های زحمتکش و دستاوردهای مترقی آنها می‌داند. دفتر سیاسی از سازمان‌های حزبی ما و همه همراهان ما ممی‌خواهد که هوشیاری خود را بالا ببرند و بر فعالیت‌های توطئه‌گرانه نظارت کنند، با سازمان‌های حزب بعث سوسیالیست عربی متحد تماس بگیرند و کمیته‌های جبهه ملی و ناسیونالیسم مترقی را به منظور هماهنگی برای انجام مشترک اقدامات علیه توطئه، اقدامات خرابکارانه و تحریک آمیز فعال کنند». (عبدالله، ۱۹۹۶م).

پس از صدور این بیانیه بود که پیاده‌روی به سمت حرم امام حسین برای زیارت اربعین حسینی با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های خاصی روبرو شد و با بسیاری از سخنرانان و مداحان و فعالان موکب‌ها و هیأت‌های عزاداری حسینی به خصوص در شهر نجف به دلیل ترس از وجود انگیزه‌های سیاسی در پشت آنها برخورد شد. اما غافل از آنکه این ممنوعیت‌ها انگیزه زائران اربعین حسینی را دوچندان می‌کرد و مراسم اربعین حسینی تبدیل به چالشی جدی برای دولت بعث و سیاست‌های سکولار آن شده بود چرا که عموم مردم این مراسم را میراثی به جا مانده از پدران خود می‌دانستند که می‌بایست از آن محافظت می‌کردند (عبد الصمد، ۱۹۸۷م: ۳۸).

دولت که نمی‌توانست به صراحت سیاست‌های سکولار حزب کمونیست را عامل تقابل با زائران حسینی بیان کند، مجبور بود برای توجیه ممنوعیت‌های خود بهانه‌های واهی بیان کند. مانند اعلام خبر بمب‌گذاری در حرم حضرت عباس که سرویس‌های امنیتی طی اقدامی تمام موکب‌های حسینی را مجبور به خروج از حرم کرده بودند. اما در همین فضای امنیتی تعدادی از جوانان استان نجف بودند که از دستور دولت سرپیچی می‌کردند. رهبر این گروه جوان نجف فردی به نام محمد البلاغی بود و نیروهای او در دوازده دسته از محله‌های براق و عماره استان نجف بودند که اکثرا حدود بیست سال سن داشتند. این گروه با روحانیون مبارزی همچون سید محمد باقر صدر در ارتباط بودند و با ایجاد یک تشکیلات متمرکز خودجوش به تامین بودجه موکب‌های حسینی برای زنده نگه داشتن مراسم پیاده‌روی اربعین کار می‌کردند (عباس، ۲۰۰۸: ۲۰۱).

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

حنا بطاطو نظر دیگری درباره نارضایتی شیعیان ارائه داده است و آن عدم سرازیر شدن آب فرات به زمین‌های استان نجف، ایجاد محدودیت‌های تحصیلی در مدارس و حوزه‌های علمیه و دیگر سیاست‌های تحمیلی دولت بود که به دلیل ترس از برپایی مراسم زیارت اربعین اتخاذ گردید. (الفضلی، ۲۰۱۱م: ۸۵)

با شدت یافتن سیاست‌های اعمال زور و تحریک کننده دولت، موج اعتراض‌ها از سمت استان نجف افزایش پیدا کرد تا اینکه روز جمعه ۱۵ صفر سال ۱۹۷۷، گروه جوانان نجف با توزیع اعلامیه‌های دست نویس، از مردم نجف خواستند در راهپیمایی اربعین به کربلا شرکت کنند. گروه‌هایی از زائرین، علی‌رغم هشدارهای دولت، راهپیمایی خود را از نجف در مسیر کربلای معلی آغاز کردند. دولت تلاش کرد از راهپیمایی جلوگیری کند، اما نتوانست جلوی موج سی هزار نفری زائران را بگیرد. با این حال، درگیری در ابتدا محدود بود و روز بعد به خان الناس رسید و در اینجا بود که نیروهای امنیتی به روی زائران آتش گشودند و باعث شد که مردم پاسگاه خان الناس در نزدیکی منطقه حیدریه را به دست گیرند. (صاغیة، ۲۰۰۳م: ۱۱۲) زائران حسینی شعار می‌دادند «صدام، دست از حکومت بردار، مردم عراق تو را نمی خواهند»[1]. (بطاطو، ۲۰۰۴م: ۴۲) در نهایت تیپ ششم ارتش با پشتیبانی بالگردها توانست جمعیت زائران را محاصره کند و اعتراض آنها را سرکوب نماید. از آن روز بود که مردم جنوب عراق این دو روز را روزهای سیاه برای زیارت اربعین نامیدند. (صاغیة، ۲۰۰۳م: ۱۱۲)

در نتیجه درگیری‌هایی که بین دو طرف صورت گرفت، نیروهای دولتی تعداد زیادی از زائران را به شهادت رساندند و حدود دو هزار نفر از شهروندان عراق از جمله سید محمد حکیم نماینده سید محمد باقر صدر دستگیر شدند. از روندشناسی وقایع اینگونه به نظر می‌رسد که رژیم بعث از آن حادثه به عنوان دستاویزی برای ممانعت از هرگونه تجمعی استفاده کرد که ممکن است در آینده به نیروی اصلی تهدید کننده دولت عراق تبدیل شود.

یکی دیگر از ترس‌های دولت عراق شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی همدست با رژیم بعث سوریه بود چرا که دولت عراق همزمان با سرکوب اعتراض‌های داخلی، درگیری‌های شدیدی نیز با همتایان سوری خود داشت. این اختلاف دو نظام بعثی علاوه بر ریشه‌های ایدئولوژیک، بر سر آب فرات نیز بود. زیرا دولت سوریه با سدسازی به دنبال بستن آب فرات به سمت عراق بود. بنابراین دولت عراق هرگونه اعتراض داخلی را به همدستی با دولت سوری متهم می‌کرد که اتهام جاسوسی مهدی حکیم فرند سید محسن حکیم مرجع شیعیان در همین راستا بود. (سلوغلت، ۲۰۰۳م: ۲۶۴) بر همین اساس انتفاضه

۱. یا صدام شیل إیدك، شعب العراق ما یریدك

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

اربعین حسینی ۱۹۷۷ نیز از سوی دولت بعث عراق، حرکتی تحریک‌آمیز از سوی نیروهای گماشته سوری و به تعبیری دیگر نیروهای مرتجع وابسته به امپریالیسم بوده است.

رشید الخیون نویسنده و روزنامه‌نگار ضد بعث عراق می‌گوید: «آنچه در خان الناس در ماه فوریه ۱۹۷۷ رخ داد، ناشی از رفتارهای تحریک آمیز حسن العامری رئیس گروه جوانان شورشگر بود که به نام مسئول «منطقه فرات میانه» (حله و کربلا و نجف و دیوانیه) تمام شد. او به شکلی توهین‌آمیز دیگ‌های غذای موکب‌های حسینی را برگرداند و موجب خشم و اعتراض زائران حسینی گردید و زمینه شکل‌گیری یک انتفاضه (جنبش اعتراضی مدنی) شکل گرفت و احزاب و گروه‌های دینی از این فرصت به نفع خود استفاده کردند (الخیون، ۲۰۱۳م: ۱۲۰-۱۱۹)

بیانیه رسمی حزب کمونیست عراق نیز این وقایع را اینگونه تحلیل می‌کند: «اقدامات تحریک‌آمیز و خرابکارانه برخی از نیروهای مرتجع وابسته به اربابان مرتجع و امپریالیست خود در آن سوی مرزها در روزهای گذشته که با بیانیه سخنگوی رسمی اعلام شد، صحنه ای را رقم زد که خطر آن را نباید دست کم گرفت. در فعالیت های خصمانه با مردم ما و منافع اساسی آنها فعالیت مشکوک تحریک آمیز توسط این گروه علیه مردم ما و علیه اعتقادات آنها و قبل از هر چیز حاکمیت ملی و نظام مترقی آن انجام شد که در خدمت دشمنان مردم ما، امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها بود». (روزنامه طریق الشعب: ۱۳ فوریه ۱۹۷۷م)

در بیانیه نشست رسمی جبهه ملی و ناسیونالیسم مترقی در محکومیت این حادثه نیز آمده است: «اقدامات خرابکارانه‌ای که در روزهای ۵ و ۶ فوریه در استان نجف انجام شد، کار محافل استعماری و ارتجاعی بود که از سیاست‌های انقلابی دولت و دستاوردهای دموکراتیک و مترقی آن متنفرند که می‌بایست اهداف آن جریان ارتجاعی و نیروهای پشت سر آنها فاش گردد. این جبهه قاطعانه با این گونه اقدامات و نقشه‌ها مقابله کرده و همچنین تلاش جنایتکارانه سازمان‌های وابسته به رژیم سوریه برای انفجار حرم امام حسین در روز سه شنبه هشتم فوریه را به شدت محکوم می‌کند، که اگر این جنایت محقق می‌شد، جان هزاران نفری را که به مناسبت زیارت اربعین در آنجا جمع شده بودند، می‌گرفت». (روزنامه طریق الشعب: ۲۵ فوریه ۱۹۷۷م).

این فرایند اتهام‌زنی و برچسب خیانت به معترضین انتفاضه ۱۹۷۷ اربعین حسینی، منجر به محکومیت معترضان و دستگیرشدگان انتفاضه گردید. اما باید گفت تمام این بیانیه‌ها و تحلیل‌ها مطابق با واقعیت نبود و ناشی از ادعاهای کذب حزب کمونیست و جبهه ملی بود. در حقیقت در جریان انتفاضه

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

صفر سال ۱۹۷۷، تلاش‌هایی برای مدیریت بحران بدون دخالت مستقیم مراجع دینی نجف انجام شد، اما فشار افکار عمومی و افزایش درگیری‌ها و شدت گرفتن شعارها علیه مسئولین اول نظام، باعث شد که مقامات محلی از آیت‌الله سید محمدباقر صدر درخواست کنند برای آرام‌سازی اوضاع مداخله کند. حکومت، هم‌زمان با سرکوب شعارهای تند و بازداشت معترضان، از صدر خواست تا مردم را به محدود کردن شعارها به مضامین حسینی و توقف حمله به نمادهای سیاسی دعوت کند و در مقابل وعده داد که شرکت‌کنندگان را مورد پیگرد قرار ندهد. سید محمدباقر صدر ابتدا در پذیرش این درخواست تردید داشت، زیرا بیم آن می‌رفت که مداخله نکردن او به عنوان حمایت از انتفاضه یا دشمنی با رژیم تعبیر شود. با این حال، برای کاهش خشونت علیه مردم و جلوگیری از گسترش سرکوب، سرانجام پذیرفت که در حل بحران نقش میانجی ایفا کند. سپس هیئتی به ریاست سید محمدباقر حکیم به میان جمعیت معترض اعزام شد تا پیام پشتیبانی مراجع دینی و نیز عقب‌نشینی نسبی دولت را به آنان ابلاغ کند. حکومت وعده داده بود که از تعقیب قضایی، ادامه بازداشت‌ها و جلوگیری از تکمیل مسیر پیاده‌روی جلوگیری کند. این توافق قرار بود امکان ادامه حرکت زائران به سوی کربلا را فراهم کند؛ اما دولت به وعده‌های خود پایبند نماند و توافق عملی نشد. در ادامه، با شدت گرفتن نگرانی رژیم از گسترش اعتراضات و احتمال حمایت خارجی از معترضان، ارتش به منطقه خان‌النخیله اعزام و مانع پیشروی راهپیمایان شد. این اقدام آغاز مرحله نهایی سرکوب انتفاضه بود. (النعمانی، ۱۹۸۶م: ۲۱۱-۲۱۰)

در نهایت حکم اعدام که برای ۴۶ نفر صادر شده بود، به درخواست دولت و با تصمیم حزب کمونیست برای جلوگیری از موج اعتراضات مردمی، در نهایت به هشت نفر رسید (روزنامه طریق الشعب: ۲۵ فوریه ۱۹۷۷م). تحلیل «صاحب جلیل حکیم» یکی از فعالان حزب کمونیست در شرایط جامعه دینی پس از اجرای این حکم نشان از پشیمانی خود حزب کمونیست از این حکم دارد. او می‌گوید: «متأسفانه موضع حزب این بود که با اتخاذ تدابیر سرکوبگرانه، رضایت و خشنودی نظام حاکم را از خود جلب کند. به همین دلیل هرگونه شعائر دینی در عرصه عمومی را اقدام علیه اقتدار ملی توصیف کرد. من معتقدم این توصیف غیرواقعی است و این موضع صرفا در راستای خواست سران نظام و حزب بعث بود. بنده پس از اجرای حکم اعدام شهدای شهر نجف، به این شهر رفتم و با بمباران سوال از سوی فعالان شاخه حزب کمونیست در نجف مواجه شدم. آنها بیانیه را در میان اعضای حزب توزیع نکرده بودند زیرا می‌گفتند اگر این بیانیه توزیع شود و مردم نیز از آن مطلع شوند، به شدت از حزب متنفر می‌شوند و اگر اقدامی علیه اعضای آن انجام ندهند، حداقل از آن فاصله می‌گیرند». (صاحب جلیل الحکیم، ۲۰۱۱م: ۲۱۰).

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

نتیجه‌گیری:

تحلیل تاریخی-گفتمانی آیین پیاده‌روی اربعین نشان داد که گفتمان حسینی از طریق مفصل‌بندی دال‌ها و تثبیت یک دال مرکزی - یعنی مقاومت، استقلال‌طلبی و هویت دینی- امر سیاسی را در سطح اجتماعی شکل داده است. دال‌های گفتمان حسینی در مواجهه با گفتمان‌های رقیب، از جمله استعمار بریتانیا و گفتمان سکولار بعث، به صورت متقابل تثبیت و بازتولید شده‌اند و در فرآیند تولید «دیگری» متخاصم، ضدیت و امکان هژمونی نسبی گفتمان حسینی نمایان شده است. وقایع انقلاب ۱۹۲۰ عراق و انتفاضه ۱۹۷۷ کربلا نمونه‌هایی از چگونگی تحقق امر سیاسی در بستر اجتماعی و گفتمانی‌اند، جایی که آیین اربعین و مرجعیت دینی توانستند دال‌های خود را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که مقاومت و انسجام اجتماعی را عینیت بخشند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که امر سیاسی در گفتمان حسینی، برخلاف سیاست محدود به نهادها و قدرت رسمی، محصول فرآیندهای اجتماعی-گفتمانی است و آیین اربعین ابزاری برای بازآفرینی و استمرار این امر سیاسی در طول تاریخ بوده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

منابع:

ابراهیم حسن، حسن. (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر بدرقه جاویدان.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ه.ق)، من لایحضره الفقیه، ج۳، قم: انتشارات اسلامی.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۱۲ه.ق)، المنتظم في تاریخ الملوک والأمم. ج۸ ، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶)، مناقب آل ابی طالب، نجف: مطبعة الحیدریه.

ابن طاووس، سید عبدالکریم. (۱۳۹۲)، فرحة الغری، قم: شریف رضی.

ابن طاووس، سید علی بن موسی بن جعفر. (۱۳۹۴)، لهوف، ترجمه علی‌رضا رجالی تهرانی، انتشارات نبوغ.

ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۷۵)، کامل الزیارات، تهران: نشر صدوق.

آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن. (۱۳۹۶)، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۵)، بررسی تاریخی عاشورا (مجموعه سخنرانی‌ها)، تهران: انتشارات صدوق.

بطاطو، حنا. (۱۹۹۳م)، العراق: الشیوعیون والبعثیون والضباط الأحرار ، ج۳، کویت: دارالقبس.

بطاطو، حنا. (۲۰۰۴م)، الحرکات السریة الشیعیة في العراق، ترجمة وتعلیق: شاکر العزاوي، بغداد: منشورات مکتبة عدنان.

الجبوری، محمد فلیح و لعیوس غازی، فوزیه. (۲۰۲۱م)، "شعارات انتفاضة تشرین العراقیة، قراءة في ضوء بالغة الجمهور (شعارهای قیام اکتبر عراق، قرائتی در پرتو زبان مردم)"، مجلّةالعلامة، جلد۶، شماره ۲ : ۱۹۸-۱۶۹.

الجبوري، غازي شاکر. (۲۰۲۱م)، القتیل الحي والشاهد الحاضر، بیروت: دار سطور للنشر والتوزیع.

الحکیم، صاحب جلیل. (۲۰۱۱م)، النجف الوجه الآخر محاولة استذکار (روی دیگر نجف، تلاشی برای یادآوری)، بغداد: الحزب الشیوعي العراقي (حزب کمونیست عراق).

حلی، جعفر به محمد بن نما. (۱۱۴۰۶هـ.ق)، مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان، قم: مدرسة الإمام المهدی.

خمینی، روح الله. (۱۳۸۹)، صحیفه امام، ج۱۵، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

خوارزمی، محمد بن احمد. (۱۴۱۸هـ.ق)، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، ج ۲، قم: انوار الهدی.

الخیون، رشید. (۲۰۱۳م)، الاسلام السیاسی بـالعراق، امارات متحده عربی: مرکز المسبار للدراسات والنشر.

دربندی شیروانی، ملاآقا. (۱۳۹۲)، اسرار الشهاده، انتشارات طوبای محبت.

ذهنی تهرانی، سید محمدجواد. (۱۳۸۹)، از مدینه تا مدینه (مقتل)، چاپ پنجم، تهران: پیام حق.

راسم النفیس، احمد. (۲۰۱۴م)، الشیعة في العراق (جذور راسخة وواقع متغیر)، بیروت: دار اکیودي للثقافة.

روزنامه طریق الشعب. (۱۳ فوریه ۱۹۷۷م)، شماره ۱۰۲۹.

روزنامه طریق الشعب. (۱۶ فوریه ۱۹۷۷م)، شماره ۱۰۳۲.

روزنامه طریق الشعب. (۲۵ فوریه ۱۹۷۷م)، شماره ۱۰۴۰.

رهیمی، عبدالحلیم. (۱۳۸۰)، تاریخ جنبش اسلامی در عراق ۱۹۲۴-۱۹۰۰، ترجمه جعفر دلشاد، اصفهان: نشر چهارباغ.

الزبیدي، حسن لطیف کاظم. (۲۰۰۷م)، موسوعة الأحزاب العراقیة، بیروت: مؤسسة العارف للمطبوعات.

سلوغلت، ماریون فاروق و سلوغلت، پیتر. (۲۰۰۳م)، من الثورة الی الدیکتاتوریة العراق منذ ۱۹۵۸، بغداد: منشورات الجمل.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

شبر، جواد. (۱۴۰۹هـ.ق)، ادب الطف أو شعراء الحسين عليه السلام، ج۱ ، دارالمرتضى.
الشيبي، مصطفي كامل. (۱۳۸۱)، تشيع و تصوف، ترجمة عليرضا ذكاوتي، تهران: امير كبير
صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۹۲)، نگاهی به تاریخ انقلاب ۱۹۲۰ عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام، تهران: نشر شکرانه.
صاغية، حازم. (۲۰۰۳م)، بعث عراق (سلطة صدام قياماً وحطاماً)، بيروت: دارالساقی.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷هـ.ق)، مصباح المجتهد، ج۶، بیروت: موسسه فقه الشیعه.
عباس، عدنان. (۲۰۰۸م)، هذا ما حدث، مذكرات عدنان عباس، دمشق: دار كنعان للدراسات والنشر.
عبد الجبار، فالح. (۲۰۱۰م)، العمامة والأفندية سوسيولوجيا، خطاب وحركات الاحتجاج الديني (معمم و غیرمعمم، جامعه‌شناسی گفتمان و جنبش‌های اجتماعی دینی)، ترجمه أحمد حسني، بيروت: منشورات الجمل.
عبد الصمد، عبدالعزيز. (آوریل ۱۹۸۷م)، دور المعلومات والخبرة الأمنية في متابعة الحزب الشيوعي العراقي، بغداد: مديرية الامن العامة لحزب الشيوعی العراقي (اداره کل امنیت حزب کمونیست عراق).
عبدالله، عامر. (سپتامبر ۱۹۹۶م)، "حقائق عن مسيرة (خان النص) في شباط ۱۹۷۷"، مجله رسالة العراق (لندن)، شماره ۲۱.
فرات نیوز، به نقل از سخنگوی عتبه عباسیه، ۲۰۲۲/۹/۲۱).
الفضلی، صلاح مهدی علی. (۲۰۱۱م)، الدور الوطنی للمرجعیة الدینیه فی تاریخ العراق الحدیث والمعاصر ۲۰۰۲-۱۹۰۰، بغداد: دار مصر مرتضی.
فیاض، عبدالله. (۱۹۶۳م)، الثورة العراقية الكبرى، سنة ۱۹۲۰ (انقلاب بزرگ عراق، سال ۱۹۲۰)، بیروت: مطبعة الارشاد.
قاضی طباطبائی، محمدعلی. (۱۳۸۵)، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، سازمان چاپ و انتشارات.
قمی، عباس. (۱۳۹۳)، منتهی الآمال؛ در ذکر تاریخ چهارده معصوم، تهران: انتشارات پیام آزاد.
گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
لفت ویچ، آدریان. (۱۹۸۴م)، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶)، بحارالانوار، چاپ چهارم، جلدهای ۴۴، ۴۵، ۱۰۰ و ۱۰۱، بیروت: دارالاسلامیه.
مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷)، حماسه حسینی، ج۱، انتشارات صدرا.
مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳هـ.ق = ۱۳۷۲هـ.ش)، مسار الشيعه في مختصر التواريخ، تحقيق مهدی نجف، قم: الموتمر العالمي لالفيه الشيخ المفيد.
النعمانی، محمدرضا. (۱۹۸۶م)، سنوات المحنة وأيام الحصار، قم: اسماعیلیان.
نوری، میرزا حسین. (۱۳۹۰)، لؤلؤ و مرجان، نشر فراهانی.
الوردی، علی. (۱۹۶۹م)، لمحات اجتماعية من تاريخ العراق، ج ۵، قسمت اول، بغداد: مطبعة الارشاد.
یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۸۹)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، چاپ ۱۱، تهران: علمی و فرهنگی.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۴۰۵
شرافت، نعیم؛ فرهادی، روح الله (۱۴۰۳)، «تحلیل تاریخی امر سیاسی در گفتمان حسینی با تأکید بر آیین پیاده‌روی اربعین» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۴، زمستان ۱۴۰۳، صص ۱۲۴-۹۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]